

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

درآمدی بر امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران

مؤلفین:

رضا احمدی
علی صالح‌نیا
حسن شهباز

ویراستار علمی:

دکتر اصغر افتخاری

استاد جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

به همت هسته دانشجویی مطالعات اسلامی - ایرانی امنیت



عنوان: درآمدی بر امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران
مؤلفان: رضا احمدی، علی صالح‌نیا، حسن شهباز
ویراستار علمی: دکتر اصغر افتخاری
ناشر: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
صفحه‌آرا و ویراستار: رضا عبداللهی بجندی
صفحه‌آرا و ویراستار: محمد روشنی
نمایه‌ساز و ناظر نسخه‌پردازی و چاپ: رضا دیا
چاپ و صحافی: چاپ سپیدان
چاپ اول: ۱۳۹۹
قیمت: ۳۰۰/۰۰۰ ریال
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۸۲۸-۵

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳ و ۲
تلفن: ۶۶۹۷۳۲۱۲

فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
فروشگاه اینترنتی: www.ketabesadiq.ir • [E-mail: pub@isu.ac.ir](mailto:pub@isu.ac.ir)

سرشناسه: احمدی، رضا، ۱۳۷۴-
عنوان و نام پدیدآور: درآمدی بر امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران / مؤلفین
رضا احمدی، علی صالح‌نیا، حسن شهباز؛ ویراستار علمی اصغر افتخاری.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۸۲۸-۵
شناسه افزوده: امنیت داخلی — ایران
شناسه افزوده: امنیت ملی — ایران
شناسه افزوده: صالح‌نیا، علی، ۱۳۷۵-
شناسه افزوده: شهباز، حسن، ۱۳۷۵-
شناسه افزوده: افتخاری، اصغر، ۱۳۴۷-، ویراستار علمی
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
رده بندی کنگره: HV ۸۱۴۲/۵۶
رده بندی دیویی: ۳۶۲/۲۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۶۲۱۳۵۳۹

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست مطالب

۱۱ سخن ناشر
۱۳ پیشگفتار
۱۵ فصل اول. مفهوم شناسی
۱۶ مقدمه
۱۶ ۱-۱. مفهوم امنیت
۱۹ ۱-۲. مفهوم امنیت ملی
۲۶ ۱-۳. مفهوم امنیت داخلی
۲۷ الف. در گفتمان سلبی
۲۸ ب. در گفتمان ایجابی
۲۸ ۱-۴. مرجع امنیت
۲۹ الف. انسان
۲۹ ب. حکومت
۳۰ ج. ارزش‌ها
۳۰ د. محیط زیست (طبیعت)
۳۰ ه. زنان
۳۱ ۱-۵. مرجع امنیت در جمهوری اسلامی ایران
۳۱ الف. مکتب
۳۲ ب. نظام اسلامی
۳۲ ج. جامعه

۳۳	۱-۶. تهدیدات امنیت داخلی
۳۳	الف. تهدیدشناسی در مکتب کپنهاگ
۳۴	ب. مکتب مطالعات امنیتی جهان سوم
۳۵	ج. مکتب سازه‌انگاری
۳۷	د. مکتب انتقادی
۳۸	جمع‌بندی فصل
۴۱	فصل دوم. نهادهای مؤثر در تأمین امنیت داخلی
۴۲	مقدمه
۴۲	۱-۲. مبانی نظری
۴۳	الف. نهادشناسی
۴۳	ب. تأمین امنیت
۴۶	ج. موضوعات امنیتی
۴۷	۲-۲. نهادهای تأمین‌کننده امنیت داخلی در جمهوری اسلامی ایران
۴۷	الف. نهادهای سیاست‌گذار
۵۷	ب. نهادهای اجرایی
۶۸	ج. نهادهای قضایی
۷۰	جمع‌بندی فصل
۷۳	فصل سوم. احزاب و گروه‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران
۷۴	مقدمه
۷۴	۱-۳. مبانی نظری
۷۶	۲-۳. اقسام اپوزیسیون
۷۷	الف. تقسیم‌بندی اپوزیسیون با توجه به هدف آن
۷۷	ب. تقسیم‌بندی اپوزیسیون با توجه به معیار «قانون مسلط»
۷۸	ج. تقسیم‌بندی اپوزیسیون با معیار «نظام سیاسی حاکم»
۸۴	۳-۳. راهبردها و سیاست‌های اصلی اپوزیسیون برانداز جمهوری اسلامی ایران
۸۶	جمع‌بندی فصل

فصل چهارم. آسیب‌های اجتماعی و امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران. ۸۹	
مقدمه	۹۰
۴-۱. مبانی نظری	۹۰
الف. شناخت مفهومی	۹۱
ب. آسیب اجتماعی و امنیت	۹۲
ج. «وجود» و «ظهور» آسیب اجتماعی	۹۴
د. شبکه علل آسیب‌های اجتماعی	۹۵
۴-۲. زمینه‌های شکل‌گیری آسیب اجتماعی	۹۵
الف. کاهش نظارت و کنترل اجتماعی	۹۶
ب. نوسانات شدید اقتصادی	۹۶
ج. خلأ مناسبات سنتی و عدم وجود جایگزین مناسب	۹۷
د. عدم پایداری به آموزه‌های دینی	۹۷
هـ. تضعیف کانون خانواده	۹۸
و. هم‌نشینی با افراد منحرف	۹۹
ز. حاشیه‌نشینی و طرد از اجتماع	۱۰۰
ح. فقر و مشکلات معیشتی	۱۰۱
۴-۳. گونه‌شناسی آسیب‌های اجتماعی در ایران	۱۰۲
نوع اول. آسیب‌های اجتماعی سوژه‌محور	۱۰۳
نوع دوم. آسیب‌های اجتماعی روند‌محور	۱۰۷
جمع‌بندی فصل	۱۱۲
فصل پنجم. تنوع قومی و امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران. ۱۱۳	
مقدمه	۱۱۴
۵-۱. مبانی نظری	۱۱۴
الف. تعریف قومیت	۱۱۴
ب. نظریه‌های قومیت	۱۱۶
ج. منازعات قومی	۱۱۷
د. عوامل شتاب‌زا منازعات قومی	۱۱۹

- ۲-۵. تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران ۱۲۳
- الف. درون‌زا بودن ۱۲۴
- ب. تداوم قومی در آن‌سوی مرزها ۱۲۵
- ج. هم‌افزایی هویت ملی و قویت قومی ۱۲۵
- د. عدم وجود یک قوم غالب ۱۲۶
- هـ. عدم طرد اجتماعی ۱۲۷
- و. درهم‌تنیدگی اقوام ۱۲۷
- ز. وحدت‌بخشی دینی ۱۲۸
- ح. پیوند تنوع قومی - مذهبی ۱۲۸
- ط. تنوع زبانی در میان اقوام ایرانی ۱۳۱
- ۳-۵. سیاست‌های قومی: تجارب جهانی و ایرانی ۱۳۲
- ۴-۵. اصول مدیریت امنیتی اقوام در جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶
- اصل (۱). فرصت بودن تنوع قومی در کشور ۱۳۶
- اصل (۲). عدم تبعیض میان اقوام گوناگون و لزوم مشارکت آنها در تعیین سرنوشت کشور ۱۳۸
- اصل (۳). محترم شمردن اقوام مختلف و عدم تسری فعالیت‌های خرابکارانه به همه افراد گروه‌های قومی مختلف ۱۳۹
- ۵-۵. سیاست‌ها و برنامه‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال اقوام ایرانی ۱۳۹
- الف. حوزه فرهنگی - اجتماعی ۱۴۰
- ب. حوزه اقتصادی ۱۴۱
- ج. حوزه دین و مذهب ۱۴۲
- د. حوزه سیاسی ۱۴۴
- هـ. حوزه امنیتی ۱۴۵
- جمع‌بندی فصل ۱۴۶
- نتیجه‌گیری ۱۴۹
- فهرست منابع و مآخذ ۱۵۳
- نمایه ۱۷۳

فهرست جدول‌ها

- جدول شماره (۱). وجه سلبی امنیت و سازوکارهای آن ۲۳
- جدول شماره (۲). کانون‌های هشت‌گانه تهدیدات امنیتی ۲۶
- جدول شماره (۳). ساختار سازمانی اپوزیسیون با توجه به میزان انسجام داخلی ۸۱

فهرست نمودارها

- نمودار شماره (۱). نسبت خواسته‌ها، داشته‌ها و ضریب ایدئولوژیک با مفهوم امنیت ... ۲۵
- نمودار شماره (۲). نهادهای تأمین‌کننده امنیت داخلی در جمهوری اسلامی ایران .. ۷۱
- نمودار شماره (۳). نسبت‌سنجی تهدیدات امنیتی ناشی از آسیب‌های اجتماعی ۹۴

فهرست جعبه‌ها

- جعبه شماره (۱). نمونه‌ای از شکست اطلاعاتی ۴۵
- جعبه شماره (۲): اقلیت‌های دینی و مذهبی در جمهوری اسلامی ایران ۱۲۹

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخگویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی، و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد. از این حیث «تربیت» را می توان مقوله ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می سازد.

از سوی دیگر «سیاست ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست ها در گرو انجام پژوهش های علمی و بهرمندی از نتایج آن هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان های فکری و اجرایی به حساب می آیند و نمی توان آینده درخشانی را بدون توانایی های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ گویی

به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان‌شاءالله).

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

پیشگفتار

این واقعیت که تأمین امنیت و فراهم آوردن بستر مناسب برای فعالیت‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را باید از جمله رسالت‌های مهم و اولیه هر دولتی دانست، ما را به آنجا رهنمون می‌شود که مطالعات امنیت داخلی را بررسی کرده و از منظرهای مختلف نظری و کاربردی درباره آنها به پژوهش بپردازیم.

اثر حاضر، از دو حیث حائز اهمیت است: نخست آنکه نویسندگان رویکردی اسلامی - ایرانی را انتخاب نموده‌اند که به تولید دانش بومی در این زمینه کمک می‌نماید. دیگر آنکه، نویسندگان تلاش نموده‌اند محورهای اصلی را به صورت مختصر و مفید تألیف نمایند تا به کار مخاطبان ویژه این اثر که دانشجویان علاقه‌مند به مطالعات امنیتی و کارشناسان حوزه اجرایی هستند، بیاید.

البته اثر حاضر با عطف توجه به طیف مخاطبان دانشگاهی، تحقیق و تألیف شده و نگارندگان سعی کرده‌اند از این طریق ابعاد مختلف امنیت داخلی را شناسایی و معرفی کنند. نگارندگان امیدوارند تبیین فشرده و اجمالی مباحث امنیت داخلی بتواند زمینه‌ساز انجام پژوهش‌های تکمیلی در این زمینه و عرضه بین‌المللی دیدگاه اسلامی - ایرانی در موضوع مطالعات امنیت داخلی باشد.

در پایان به رسم اخلاق اسلامی و ادب علمی، لازم است این نکته بیان شود که انجام این مهم مدیون حمایت‌های مؤثر مسئولان دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) و به ویژه استاد ارجمند جناب آقای دکتر اصغر افتخاری، ریاست محترم دانشکده، می‌باشد که جا دارد در این جایگاه از ایشان در

خصوص تبدیل این تلاش علمی به کتاب و نیز نظارت و راهنمایی‌های مؤثر و مستمر کمال قدردانی و تشکر را نمایم. همچنین از حمایت‌های مؤثر معاونت محترم پژوهشی دانشگاه به جهت تهیه و انتشار این کتاب تشکر نموده و این تلاش ارزشمند را به روح پرفتوح همه بزرگانی که برای انقلاب اسلامی زحمت کشیدند و به ویژه حضرت استاد، مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی (رحمه‌الله) تقدیم می‌نمائیم. امید آنکه هسته دانشجویی مطالعات اسلامی - ایرانی امنیت بتواند از این رهگذر آثار دیگری را تهیه و تحویل جامعه علمی نماید (إن شاء الله).

رضا احمدی

بهار-۱۳۹۹

فصل اول

مفهوم شناسی

اهداف آموزشی فصل

- آشنایی با تعاریف امنیت
- آشنایی با مفاهیم نزدیک با امنیت
- شناخت مرزهای مفهومی امنیت با واژگان مرتبط

مقدمه

امنیت یک نیاز فطری است که مردم با تمسک به دولت‌ها به دنبال تأمین آن بوده‌اند. ادیان و مذاهب الهی به خصوص اسلام بر اساس این نیاز فطری، به دنبال تأمین امنیت پیروان خود بوده‌اند. از دیدگاه اسلام امنیت زمینه مساعد را برای بهره‌مندی انسان از مواهب حیات و نیز تکامل بشر فراهم می‌آورد. شهید مطهری نیز با بیان اینکه موجودات زنده برای رشد و تکامل به سه مؤلفه تربیت، امنیت و آزادی نیاز دارند، می‌گوید: امنیت یعنی آنچه را که موجود زنده در اختیار دارد، از او گرفته نشود؛ یعنی از ناحیه یک دشمن، از ناحیه یک قوه خارجی، آنچه دارد از او سلب نشود. انسان جان دارد، جانش را از او نگیرند؛ ثروت دارد، ثروتش را از او نگیرند؛ سلامت دارد، سلامتش را از او نگیرند (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۲).

در حوزه مطالعات راهبردی، امنیت به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بوده است. به عنوان مثال برخی همچون ماکیاوولی، عامل پیدایش دولت‌ها را تأمین امنیت برای شهروندان عنوان کرده‌اند (ماکیاولی، ۱۳۷۷: ۳۷). بر این اساس اگر وضعیت کشوری به گونه‌ای باشد که از تهدیدات احتمالی دیگر کشورها مصون باشد، در آن صورت دارای امنیت خواهد بود. با این تلقی، تأمین امنیت از وظایف بنیادین دولت به شمار می‌آید (Elliot & Reginald, 2007: 71).

هدف این فصل، انتخاب یک دیدگاه خاص و دفاع از آن نیست؛ بلکه دیدگاه‌ها، مفاهیم و نظرات مختلفی که در این زمینه وجود دارند، شناسایی، معرفی و تبیین می‌گردند تا زمینه نقد و انتخاب و یا تولید دیدگاهی بدیل توسط مخاطبان در آینده فراهم گردد.

۱-۱. مفهوم امنیت

امنیت^۱ از جمله واژه‌هایی است که دارای مفهومی سیال، متنوع و صورتی متغیر بوده و گستره وسیعی از موضوعات مختلف فردی و اجتماعی را شامل می‌شود؛ به گونه‌ای که با مرور تعاریف امنیت، مشخص می‌شود بیش از ۱۳۰ تعریف از این مفهوم در متون تخصصی ارائه شده است (Koblitz & Menezes, 2013). بر همین اساس ارائه

1. Security

تعریفی کامل و جامع آن کاری دشوار است (بخشی، ۱۳۹۳: ۴۲).

واژه «secure» در قرن پانزدهم وارد زبان انگلیسی شد. این واژه از کلمه لاتین «securus» مشتق شده و به معنی ایمن و آسوده خاطر بودن است (Ayto, 2006: 445). تعاریف مندرج در فرهنگ‌های لغت درباره مفهوم امنیت، بر روی «احساس آزادی از ترس» یا «احساس ایمنی» که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارند (ماندل، ۱۳۸۷: ۳۸). به عنوان مثال فرهنگ معین معنای لغوی امنیت را «ایمن شدن»، «در امان بودن» و «بی‌بیمی» می‌داند (معین، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۹۴). به عبارت دیگر امن و امنیت در اصل به معنی آرامش نفس و از بین رفتن ترس می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۷۲). در مجموع می‌توان گفت امنیت را به اطمینان و فقدان خوف، تفسیر، تعریف و ترجمه کرده‌اند که تا حدودی به واقعیت نزدیک و شامل دو بعد ایجابی و سلبی در تعریف است؛ از یک سو اطمینان، آرامش فکری و روحی و از سوی دیگر فقدان خوف، دلهره و نگرانی که موجب سلب آرامش و اطمینان می‌گردد (دری‌نجف‌آبادی، ۱۳۷۹: ۲۸۲). بنابراین واژه امنیت از وجوه مختلفی برخوردار است که در میان همه این تعاریف دو مورد جامع‌تر به نظر می‌رسد:

- وجوه اطمینان نسبت به سلامت تن و جان، مال و ناموس.
- مصون بودن و حالت فراغت عموم افراد جامعه از تهدیدات یا اقدامات خلاف قانون شخص، گروه یا دولت (فراهانی، ۱۳۸۷: ۱۴۲).

از نظر اصطلاحی، اندیشمندان مطالعات استراتژیک مانند باری بوزان^۱ و آرنولد ولفرز^۲، مفهوم امنیت را نسبی، چند وجهی، مبهم و توسعه‌نیافته دانسته‌اند که همانند بسیاری از مفاهیم علوم انسانی در ویژگی‌های آن اتفاق نظر وجود ندارد (Baldwin, 1997). باری بوزان پنج دلیل را برای وجود ابهام در مفهوم امنیت برمی‌شمارد:

اول. پیچیدگی موضوع امنیت باعث شده که تحلیل‌گران از آن رویگردان شوند و به دنبال مفاهیم قابل پیگیری بیشتر بروند؛ به عبارت دیگر امنیت تعریف ساده برنمی‌تابد و ضرورتاً مورد بحث و جدل است.

دوم. وجوه مشترک میان مفهوم قدرت و مفهوم امنیت: امنیت از مشتقات قدرت

1. Barry Buzan
2. Arnold Wolfers

(مخصوصاً قدرت نظامی) است؛ به همین دلیل واژه امنیت غیرمستقل است و موجب برداشت‌های متعددی از آن شده است.

سوم. از آنجا که امنیت به عنوان یک مفهوم با مکتب رئالیستی پیوند دارد از سوی کسانی که با این مکتب در چالش هستند، مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته است.

چهارم. در بسیاری از موارد، دولت‌ها، حاکمان و سیاست‌گذاران امنیتی دوست ندارند تعریف واضح و درستی از امنیت ارائه دهند؛ زیرا بهتر می‌توانند به اهداف خود دست پیدا کرده و بدان تمسک جویند.

پنجم. مطالعات استراتژیک به عنوان یک رشته فرعی، حجم بسیار گسترده‌ای از مطالب تجربی در مسائل نظامی را به خود اختصاص داده است اما این مطالعات مجبور بوده بخش مهمی از نیروی خود را صرف مطابقت با تحولات جدید نماید و فرصت کافی برای تبیین دقیق مفهوم امنیت پیدا نکرده است (بوزان، ۱۳۹۶: ۲۰-۲۵).

با توجه به ابهام موجود در مفهوم امنیت، اندیشمندان تلاش کرده‌اند تا از این مفهوم، به نوعی ابهام‌زدایی نمایند. در ادامه به نقاط عطف این تحول، اشاره می‌شود:

الف. امنیت و جنگ: توماس هابز بارها از واژه «امنیت» در آثارش استفاده کرده اما تعریف مشخصی برای آن ارائه نکرده است. با این حال می‌توان چنین استنباط نمود که هابز «امنیت» را به معنای عام لغوی آن به کار می‌برده است (لعل علیزاده، ۱۳۹۵). وی معتقد است دغدغه اصلی فیلسوف سیاسی، پرهیز از جنگ داخلی است و او باید تلاش کند تا زمینه جنگ داخلی را از بین ببرد تا همگان احساس امنیت کنند (نصری، ۱۳۸۱). به همین خاطر است که او برقراری امنیت را نخستین اولویت کاری نظام سیاسی می‌داند (هابز، ۱۳۸۰: ۱۹۶).

ب. امنیت و رفاه: در متون جان لاک نیز تلقی خاصی برای امنیت ارائه نشده است. وی معتقد است که مقصود از صلح (و امنیت) تنها آن نیست که زنده بمانیم، بلکه منظور دستیابی به رفاه، آسایش و ایجاد تسهیلات مشخص است که حق طبیعی ماست (ربیعی، ۱۳۸۳: ۱۲).

ج. امنیت و توانمندی: بوث و ویلر^۱ معتقدند امنیت پایدار تنها در صورتی توسط

1. Booth and Wheeler

مردم و گروه‌ها تأمین می‌شود که آنها دیگران را از داشتن امنیت محروم نکنند و در صورتی این امر محقق می‌شود که امنیت به عنوان فرایندی به سوی رهایی و رستگاری معنا شود (Baylis, Smith & Owens, 2014: 231). امنیت تحقق شریطی است که بازیگر دغدغه از دست رفتن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی یا خاک خود را نداشته باشد. در تعریف دیگر، امنیت به معنای اقتدار و توانمندی کشور در صیانت از اولویت‌های منافع ملی و مصالح عالی خود است. در تمام تعاریف ارائه شده از امنیت بر واژه‌هایی مانند ارزش‌های حیاتی، منافع ملی و تهدید تأکید می‌شود (دلاورپور، ۱۳۸۹: ۱۳).

در مجموع می‌توان برای امنیت دو بُعد معنایی تعریف نمود؛ اول بُعد سلبی که بر نبود تهدید و خطر برای منافع بازیگر دلالت دارد و دوم بُعد ایجابی امنیت که بر توانمندی بازیگر و در نتیجه آن وجود رضایت و قوت داخلی مبتنی است.

۲-۱. مفهوم امنیت ملی

امنیت ملی مفهومی برآمده از درون ایدئولوژی ناسیونالیسم می‌باشد و بر این اساس باید آن را در ارتباط با ارکان اصلی «ملت - دولت»^۱ فهم و تحلیل نمود. برای مثال در دانشنامه سیاسی، امنیت ملی به حالتی گفته می‌شود ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی و یا خاک خود به سر برد (آشوری، ۱۳۹۰: ۳۹). چارلز مایر، استاد تاریخ دانشگاه هاروارد نیز در تعریف امنیت ملی می‌گوید: بهترین تعریف برای امنیت ملی عبارت است از ظرفیت کنترل امور داخلی و انجام امور ضروری و مورد علاقه در خارج از کشور (Maier, 1990).

رابرت ماندل^۲ در کتاب چهره متغیر امنیت ملی، امنیت ملی را این‌گونه تعریف نموده است: امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت حکومت‌های ملی است تا از تهدیدات مستقیم خارجی نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورد (ماندل، ۱۳۸۷: ۴۲). والتر لیپمن نیز در تعریف امنیت ملی بیان می‌دارد: یک ملت تا زمانی

1. Nation-State
2. Robert Mandel

دارای امنیت است که اگر سیاست عدم توسل به جنگ را اتخاذ کرد، مجبور به قربانی کردن ارزش‌های محوری خود نباشد و در صورتی که به چالش کشیده شود (تهدید شود)، ارزش‌های خود را با پیروزی در جنگ حفظ نماید (Lippmann, 1943: 51).

بر اساس تعاریف مختلف از امنیت ملی، لازم می‌آید تا با ترکیب و تلفیق تعاریف موجود و استنتاج اصول معنایی و معرفت‌شناختی مشترک آنها به تعریف جامعی از امنیت ملی دست‌یافت. افتخاری تعاریف مختلف امنیت ملی را در دو گفتمان^۱ اصلی تقسیم‌بندی نموده است (افتخاری، ۱۳۹۱. الف: ۸۱-۹۱):

الف. گفتمان امنیت سلبی

سلبی‌نگری در این گفتمان دلالت بر آن دارد که می‌توان امنیت ملی را در «نبود تهدید» بیان کرد. به این معنا که اگر «تهدید^۲» را به عنوان «مخاطره نسبت به منافع بازیگر» و عامل اصلی در بروز «ناامنی» بدانیم، در آن صورت «امنیت ملی» به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن منافع بازیگر از سوی دیگر بازیگران مورد تهدید واقع نشده و یا در صورت وجود تهدید احتمالی، امکان مدیریت آن برای بازیگر وجود داشته باشد.

در این تعریف چند مفهوم محوری لحاظ شده است:

اولاً. واژه تهدید در این تعریف از امنیت ملی، به عنوان واژه اساسی مطرح است؛ چراکه امنیت ملی با «نبود» آن فهم می‌شود و به همین دلیل گفتمان «سلبی» نام‌گذاری شده است. تهدید از جنس «مخاطره» است و به آن دسته از مخاطراتی گفته می‌شود که به نوعی تحصیل، صیانت و یا توسعه منفعتی را با مشکل مواجه می‌سازند. مخاطرات، متناسب با اهمیت منفعتی که مورد هدف قرار داده‌اند، ارزش‌گذاری شده و اولویت تهدیدات شکل می‌گیرد. افزون بر این، نوع، گستره و دامنه تهدیدات در دسته‌بندی آنها مؤثر است و مانع از آن می‌شود که همه تهدیدات را بتوان یکسان و از حیث اولویت هم‌رتبه یکدیگر قرار داد.

ثانیاً. مدیریت تهدید، اصطلاحی راهبردی است که دلالت بر چند سیاست دارد که وجه بارز تمامی آنها خنثی‌سازی یا کم‌اثرسازی یک «تهدید» است. از جمله این سیاست‌ها می‌توان به «سیاست دفع» اشاره داشت که تهدید را دفع نموده و از تولید

۱. گفتمان، مجموعه‌ای از گزاره‌هایی است که به صورت منطقی به یکدیگر متصل شده‌اند و تولید معنا می‌کنند.

2. Threat

و اعمال مخاطره باز می‌دارد. سیاست دیگر «استحاله» است که تهدید را به «فرستی» برای بازیگر تهدیدشونده تبدیل می‌سازد و حکایت از اوج توانمندی بازیگر در مدیریت تهدیدات دارد. در میانه این دو سیاست، می‌توان به «سیاست مهار» اشاره داشت که از کاهش تأثیرات تهدید و تبدیل آن به مخاطره‌ای قابل تحمل حکایت دارد.

گفتمان سلبی به دلیل بهره‌مندی از مزایایی چون «سادگی»، «قابلیت کاربردی بالا» و «عینی بودن» آن، بسیار مورد توجه بوده و می‌توان آن را از حیث تاریخی قدیمی‌ترین گفتمان امنیتی خواند. از منظر تاریخی می‌توان ریشه‌ها و گونه‌های این گفتمان را در قالب دو موج مطالعاتی اصلی شناسایی و معرفی نمود:

موج اول. سنت‌گرایان^۱: دیدگاه سنتی نسبت به امنیت ملی با بیان نظرات ماکیاوولی شکل می‌گیرد. وی می‌گوید «امنیت ما مساوی با ناامنی دشمن است و برعکس». او در جایی دیگر می‌گوید «برای داشتن صلح باید برای جنگ آماده بود». پیمان صلح و ستفالی (سال ۱۶۴۸) به دنبال خود، شکل‌گیری دولت‌های نوین و مستقل اروپایی را پایه‌ریزی نمود و متأثر از این تحول، مرزهای سیاسی به عنوان وسوسه‌برانگیزترین شکل تهدیدات امنیتی آن زمان به وجود آمد. به عبارتی این دیدگاه از ابتدای پیدایش مفهوم امنیت ملی تا اوایل دهه ۱۹۸۰ (آغاز دوران کم‌سو شدن آتش جنگ سرد که در آن اکثر کشورهای قدرتمند به منظور تفوق نظامی بر دیگر واحدهای سیاسی در کشمکش بودند)، بر منابع و متون علمی حاکم بوده است.

به طور کلی می‌توان گفت شاخصه اصلی «سنت‌گرایان» تأکید ویژه آنها بر ماهیت «نظامی» تهدیدات است. بدین معنا که از منظر ایشان «تهدیدات نظامی» تنها عامل مؤثر در تعریف و شناخت امنیت / ناامنی بوده و به همین خاطر مطالعات امنیتی در ذیل «مطالعات جنگ^۲» موضوعیت می‌یابد.^۳ راهبرد اصلی در این رویکرد امنیتی، تقویت توان نظامی برای مقابله و سرکوب دشمنان است. از این دیدگاه «جنگ ادامه سیاست البته با ابزار و وسایلی دیگر» به شمار می‌رود و به زمامداران توصیه می‌شود

1. Traditionalists

2. War Studies

۳. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به کتاب‌هایی مانند «On War» اثر Carl Clausewitz و «The Art of War» اثر Sun Tzu.

برای افزایش ضریب امنیتی قلمرویشان، در تجهیز و تقویت توان جنگی‌شان کوشا باشند.

موج دوم. فراسنت‌گرایان^۱: نتایج حاصله از دو جنگ جهانی اول و دوم (از جمله پیروزی آمریکا در جنگ جهانی دوم به دلیل داشتن اقتصادی قدرتمند) حاکی از این بود که توان صنعتی و منابع اقتصادی یک کشور، اساس توانایی کشور برای پیشبرد برنامه‌های جنگ است. بنابراین با نقد جدی آثار سنت‌گرایان، تحولی تازه در مطالعات امنیتی به وجود می‌آید که باور اصلی آن را، «تعدد ابعاد امنیت» شکل می‌دهد. ایده محوری فراسنتی‌ها در گفتمان سلبی امنیت این است که امنیت ملی مقوله‌ای چند بُعدی است و ابعاد متفاوتی اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... در کنار بُعد رسمی و تاریخی «نظامی» دارد.

بر این اساس، شاهد طرح ابعاد مختلف امنیت ملی از سوی فراسنت‌گراها می‌باشیم که از جمله مهم‌ترین ابعاد مدنظر آنها می‌توان به ابعاد اقتصادی (Viotti & Kauppi, 1997)، سیاسی و فرهنگی (ECSSR, 1998)، زیست‌محیطی (Lowi & Shaw, 2000) و... اشاره داشت. فراسنتی‌ها معتقد هستند امنیت کاملاً مترادف با امنیت نظامی نیست و تهدید نظامی تنها عامل تهدید امنیت نیست. ضمن اینکه راه مقابله با تهدید امنیتی صرفاً توسط به اقدامات نظامی نیست و باید دانست که محیط داخلی نسبت به محیط بین‌المللی تأثیر بیشتری بر امنیت یا عدم امنیت کشورها دارد. چنان‌که ملاحظه می‌شود، «امنیت» رهایی در مقابل وجوه گوناگونی از خطرات تلقی شده است. پس امنیت را می‌توان «توانمندی ایجاد شرایط عاری از خطر و مشکلات» تعریف کرد. این تعریف از امنیت مبتنی بر نگرش عینی و واقع‌بینانه از خطرات فیزیکی و مادی خارجی است؛ یعنی خطرات شامل موضوعات ملموس و مشخصی چون جنگ، خشونت، آشوب و غیره هستند. در این رویکرد برای تأمین امنیت نیازمند توانایی‌های سخت‌افزاری هستیم؛ یعنی استفاده از ابزارهای قدرت و زور که طبیعتاً در دست حکومت‌هاست. در واقع، مکانیسم‌های امنیت را می‌توان در ابزارهای کنترل رسمی خلاصه کرد.

با توجه به آنچه گفته شد، وجه سلبی امنیت و سازوکارهای آن در جدول زیر آمده است:

جدول شماره (۱). وجه سلبی امنیت و سازوکارهای آن

امنیت	وجه امنیت	نگرش	ابزار
نبود تهدید	نظامی، اقتصادی و ...	عینی و بیرونی	قدرت و زور

ب. گفتمان امنیت ایجابی

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نشان داد که برخلاف تلاش این کشور مبنی بر تأمین امنیت خود از طریق افزایش توان دفاعی، این هدف محقق نشد و شوروی از درون فروپاشید. لذا محققان حوزه امنیت به نقد جدی مبانی و اصول گفتمان امنیت سلبی پرداخته^۱ و به سمت گفتمان ایجابی امنیت روی آوردند. در این گفتمان، امنیت به نبود تهدید تعریف نمی‌شود بلکه افزون بر نبود تهدید، «وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواسته‌های جمعی» نیز مدنظر است. این طیف از نویسندگان، برای امنیت، ماهیتی «تأسیسی» قائل هستند و بر این باورند که امنیت فقط در وضعیتی وجود دارد که جامعه به مرحله قابل قبولی از اطمینان برای تحصیل و پاسداری از منافعی دست یافته باشد.

مطالعات امنیتی تحت تأثیر گفتمان ایجابی نیز شاهد ظهور جریان‌های فکری مختلفی بوده که مهم‌ترین این جریان‌ها عبارت‌اند از (افتخاری، ۱۳۹۱. الف: ۸۷-۹۱):
موج اول. مدرن‌ها: «مدرن‌ها» معتقدند اگرچه تلاش‌های سیاسی، اجتماعی، فنی، نظامی و اقتصادی بشر معطوف به ایجاد وضعیتی با ضریب امنیتی بالا بوده است، اما آنچه در عرصه عمل حاصل آمده، شکل‌گیری مؤلفه‌های تازه‌ای از ناامنی می‌باشد که افراد جامعه را دچار اضطراب‌های شدید روحی و روانی ساخته است. به عنوان مثال هانا آرنست در کتاب *خشونت و ویژگی ممتاز عصر حاضر* را نه پیشرفت‌های چشمگیر، بلکه «احساس عدم امنیت گسترده» آن می‌داند که متوجه

۱. یکی از نقدهای جدی که به گفتمان سلبی وارد شد این بود که این گفتمان کارآمدی پایینی دارد؛ زیرا این گفتمان منجر به ایجاد «محظور امنیتی» می‌شود. «محظور امنیتی» که برخی آن را «معمای امنیت» نیز خوانده‌اند، به موقعیتی اشاره می‌کند که در آن اقدامات یک بازیگر در جهت افزایش امنیت خود (از جمله افزایش قدرت نظامی)، می‌تواند به اقدامات مشابهی از سوی دیگر بازیگران به عنوان پاسخ منجر شود. این امر در نتیجه منجر به تولید و افزایش تنش‌ها و همچنین افزایش احتمال ایجاد درگیری‌ها خواهد شد؛ درحالی‌که هیچ‌یک از بازیگران واقعاً خواستار آن نبوده‌اند (افتخاری، ۱۳۸۸). پس گفتمان‌های سلبی نه تنها امنیت را به ارمان نمی‌آورند بلکه ناامنی بیشتری را سبب می‌شود.

اصل «حیات» انسان بر روی کره خاکی می‌باشد (آرنت، ۱۳۵۹: ۳۵). مدعای اصلی ایشان آن است که اصول حاکم بر طبیعت که منجر به ایجاد امنیت طبیعی می‌شوند، قابلیت انتقال به عرصه اجتماع را دارند و بر این اساس می‌توان از ترکیب آنها با ویژگی‌های جوامع بشری به اصول بنیادین امنیت پی برد؛ مانند اصل خود ترمیمی^۱.

موج دوم. فرامدرن‌ها: در نگرش «فرامدرن»، امنیت به «رضایت» تعبیر می‌شود. به بیان دیوید بالدوین^۲ در مقاله‌ای تحت عنوان مفهوم امنیت، مسئله مهم امنیت ملی این است که «چه میزان از امنیت» لازم است تا بتوان گفت جامعه در وضعیت ایمنی به سر می‌برد؟ (Baldwin, 1997) این سؤال ساده منجر به تضعیف بنیان‌های گفتمان سنتی امنیت شده و در نتیجه مقوله امنیت اطمینان‌بخش^۳ مطرح می‌شود که بستر خوبی برای طراحی راهبرد امنیتی جدید می‌باشد.

بر این اساس، امنیت ملی عبارت است از: وضعیتی که در آن نسبتی متعادل میان خواسته‌ها^۴ و داشته‌ها^۵ در یک واحد سیاسی وجود دارد؛ به گونه‌ای که در چارچوب ضریب ایدئولوژیک^۶ آن واحد به تولید رضایت‌مندی منتهی می‌شود (افتخاری،

۱. طبیعت به گونه‌ای طراحی شده که در صورت بروز هرگونه نقصانی در آن، دست به ترمیم و اصلاح خود می‌زند. راهبردهای امنیتی در جامعه نیز باید قابلیت آن را داشته باشند که ضمن نشان دادن محل بروز نواقص احتمالی، نسبت به جبران آن‌ها نیز راهکارهای لازم را پیش‌بینی کرده باشند.

2. David Baldwin

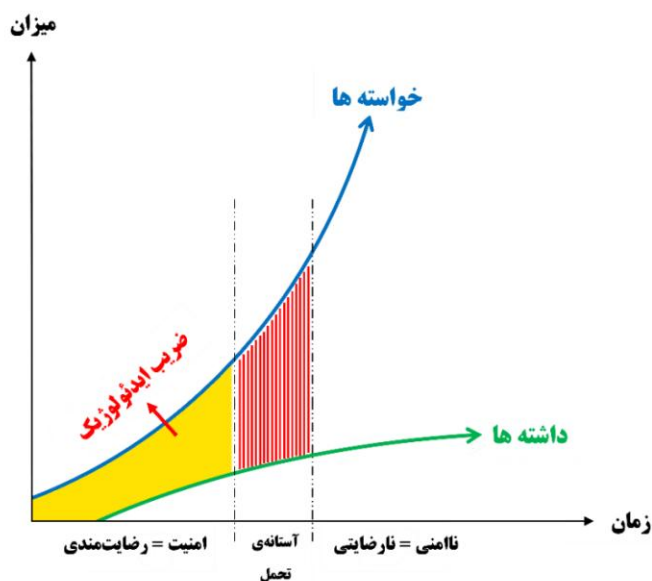
3. Robust Security

۴. خواسته‌ها به آن دسته از نیازهایی گفته می‌شود که مطلوبیت یافته و بازیگر حاضر به هزینه‌کرد برای تحصیل، صیانت و یا تقویت آنهاست (افتخاری، ۱۳۹۱، الف، ص ۸۸).

۵. داشته‌ها مجموع پاسخ‌های ارائه شده از سوی قدرت حاکم به خواسته‌ها را شامل می‌شود. «داشته» از جنس «پاسخ» بوده و می‌تواند به اشکال مختلف ارائه شود. برای مثال می‌توان به «تحقق عینی» یک خواسته، یا ارائه پاسخی قانع‌کننده برای عدم تأمین آن، یا ارائه استدلال‌هایی مقبول برای مخاطب مبنی بر عدم امکان تحقق آن اشاره داشت که تمامی آن‌ها «پاسخ» به شمار می‌آیند (افتخاری، ۱۳۹۱، الف، ص ۸۸).

۶. ضریب ایدئولوژیک، مجموعه اصول، مبانی و یا هنجارهایی است که به صورت پیشینی توسط فرد یا جامعه پذیرفته شده‌اند و عامل (فرد یا جامعه) جهت صیانت و یا تقویت آن‌ها حاضر به هزینه‌کرد منابع در اختیار- و حتی چشم‌پوشی از برخی از خواسته‌هایش- می‌باشد (افتخاری، ۱۳۹۱، الف، ص ۸۸). کارکرد ضریب ایدئولوژیک، تولید زمان و به تأخیر افتادن وقوع بحران‌ها است ولی هیچ‌گاه نباید مبنای مدیریت امنیتی قرار گیرد و باید از این فرصت‌ها استفاده کرد و عوامل اصلی موجد بحران را هدایت کرد.

۱۳۹۱. الف: ۸۴). چنان‌که ملاحظه می‌شود، امنیت ملی در این گفتمان تابعی از مفهوم «رضایت‌مندی» (ذهنی و غیرمادی) است؛ به عبارت دیگر وجه ایجابی امنیت معطوف به خطر نیست؛ بلکه بر بُعد آرامش، اطمینان و رضایت تأکید دارد. در واقع، امنیت ملی را می‌توان «توانمندی بهره‌گیری بهینه از فرصت‌ها و تضمین منافع و ارزش‌ها» تعریف کرد (ماه‌پیشانیان، ۱۳۹۰). در این صورت جامعه‌ای که در عین درگیر نبودن با تهدید خارجی یا داخلی، توان لازم را برای دستیابی به منافع جمعی‌اش نداشته باشد، امنیت ندارد و ناامن گفته می‌شود.



منبع: (افتخاری، ۱۳۹۱. الف: ۸۹)

نمودار شماره (۱). نسبت خواسته‌ها، داشته‌ها و ضریب ایدئولوژیک با مفهوم امنیت

بر این اساس تهدیدات امنیتی ضرورتاً جنبه خارجی ندارد و می‌توان چنین ادعا نمود که کانون اصلی ناامنی‌ها در شبکه مناسبات داخلی قرار دارد. در جدول شماره (۲) کانون‌های هشت‌گانه تهدیدات امنیتی شمارش شده‌اند:

جدول شماره (۲). کانون‌های هشت‌گانه تهدیدات امنیتی

ردیف	شرح تهدید	افق زمانی تهدید	عنصر تهدیدساز
۱	افزایش خواسته‌ها و ثبات داشته‌ها	تهدید در میان‌مدت	داشته‌ها
۲	افزایش خواسته‌ها و کاهش داشته‌ها	تهدید در کوتاه‌مدت	داشته‌ها
۳	افزایش زیاد خواسته‌ها و افزایش اندک داشته‌ها	تهدید در بلندمدت	خواسته‌ها
۴	ثبات خواسته‌ها و ثبات داشته‌ها	تهدید در بلندمدت	خواسته - داشته
۵	ثبات خواسته‌ها و کاهش اندک داشته‌ها	تهدید در بلندمدت	خواسته - داشته
۶	ثبات خواسته‌ها و کاهش شدید داشته‌ها	تهدید در کوتاه‌مدت	داشته - خواسته
۷	تضعیف ضریب ایدئولوژیک	تهدید در میان یا بلندمدت	ضریب ایدئولوژیک
۸	زوال ضریب ایدئولوژیک	تهدید در کوتاه‌مدت	ضریب ایدئولوژیک

منبع: (افتخاری، ۱۳۹۱، الف: ۹۰)

بر این اساس می‌توان چنین اظهار داشت که امنیت ملی محصول دو فرایند مکمل و مرتبط با یکدیگر هستند؛ فرایندهایی که بیانگر وجوه سلبی و ایجابی امنیت به شمار می‌آیند. از منظر ایجابی، امنیت ملی تابع میزان توانمندی در مدیریت سیاسی است که با شاخص رضایت‌مندی سنجیده می‌شود. از منظر سلبی، امنیت ملی تابع میزان قدرتمندی در مدیریت تهدیدات است که با شاخص‌های مربوط به انواع قدرت (نظامی، اقتصادی و ...) فهم و سنجیده می‌شود.

۳-۱. مفهوم امنیت داخلی

همان‌طور که اشاره شد، در گفتمان سلبی مطالعات امنیتی تنها شاهد توجه به تهدیدات خارجی و کسب قدرت بین‌المللی جهت جلوگیری از وقوع جنگ یا پیروزی در صورت وقوع آن بودیم، اما در طول سال‌های اخیر و به خصوص پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، رویکردهای نوین مطالعات امنیتی به اهمیت بعد داخلی امنیت توجه نموده‌اند. پژوهشگران حوزه مطالعات امنیت واژه «امنیت داخلی» را از

همان ابتدا به گونه‌ای استعمال می‌کردند که گویی امنیت داخلی مفهومی بدیهی و روشن دارد؛ این درحالی است که این مفهوم نیز مانند مفهوم امنیت و امنیت ملی، پیچیده و مبهم است. این مبهم بودن ناشی از برداشت‌های متفاوت افراد، گروه‌ها و کشورها از این مفهوم است.

پژوهشگران و نظریه‌پردازان مطالعات امنیتی تلاش کرده‌اند برای تعریف مفهوم امنیت داخلی از جنبه‌های مختلفی به آن بنگرند. در مجموع دو روایت از امنیت داخلی متناسب با نظریه‌های اصلی سلبی و ایجابی می‌توان ارائه نمود:

الف. در گفتمان سلبی

امنیت داخلی بر اساس جهت و نوع تهدید نسبت به داخل کشور تعریف می‌شود و معمولاً امنیت اجتماعی، ثبات سیاسی، وحدت، هماهنگی نیروهای سیاسی، مناسبات پایدار میان حکومت و ملت و نظایر آن را دربرمی‌گیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۳: ۳۲۸). در یک تعریف، امنیت داخلی به وضعیتی گفته می‌شود که در آن سازمان حکومت و مناسبات درونی آن ضمن اطمینان از استمرار بقا، از تهدید و خطرهای بالفعل و قریب‌الوقوع مصون و نسبت به موجودیت خود احساس ناامنی و خطر نداشته باشد (زمانی، ۱۳۹۴: ۲۲). امنیت داخلی کشور زمانی با خطر مواجه می‌شود که توانایی‌ها، امکانات و ساختارهای نظام سیاسی قادر به پاسخ‌گویی و حل آسیب‌پذیری‌های ناشی از نقاط ضعف حکومت و جامعه نباشد. این آسیب‌پذیری‌ها شامل بحران‌های ناشی از ضعف مشروعیت نظام، سهم‌خواهی‌ها در ساختار سیاسی، نزاع‌های قومی، بحران‌های ناشی از ناکارآمدی در عرصه‌های گوناگون، شکاف طبقاتی، بحران هویت و سایر معضلات اقتصادی، بحران‌های اجتماعی و فرهنگی، شورش‌ها و اعتصابات گسترده، ترورهای سازمان‌یافته و... می‌شوند (ربیع، ۱۳۸۳: ۱۱۲). بدین ترتیب هرگونه اقدام، قصد و نیتی که با هدف سرنگونی، ضربه زدن و توقف توانایی‌های ملی در کشور صورت گیرد و یا موجب بروز زمینه‌های عدم وفاداری در شهروندان و تبدیل آن به یک حرکت جمعی مخالف شود، به عنوان تهدید علیه امنیت داخلی اطلاق می‌شود (رضوی‌نژاد و رزاقی، ۱۳۹۷). در صورتی که این تهدیدات به صورت صحیح مدیریت نشوند، کشور با چالش‌های جدی مواجه شده و

حتی بقای نظام نیز به چالش کشیده می‌شود. در مجموع می‌توان گفت که این دیدگاه تهدیدمحور بوده و تأمین امنیت داخلی را با نبود تهدید در عرصه داخلی متناظر می‌داند.

ب. در گفتمان ایجابی

امنیت داخلی را می‌توان وضعیتی دانست که در آن نظام سیاسی حاکم از بیشترین ظرفیت برای پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندانش برخوردار است و شهروندان آن جامعه می‌توانند بدون برخورد با موانع ذهنی و عینی از تمام حقوق قانونی خود بهره‌مند شوند (زارع‌زاده، ۱۳۹۲). به عبارت دیگر جامعه‌ای که در عین نبود تهدید داخلی یا خارجی علیه منافع و ارزش‌های حیاتی، توانایی لازم جهت دستیابی به منافع ملی خود را نداشته باشد، در امنیت نبوده و «ناامن» ارزیابی می‌شود (افتخاری، ۱۳۸۰: ۲۵). نروزی در تعریف مشابهی از این مفهوم می‌نویسد: امنیت داخلی حالتی است که به موجب آن جامعه‌ای فارغ از فشارها و نابسامانی‌های داخلی است و در آن تفوق، نظم و یکپارچگی توأم با تشکل‌های مردمی در جهت تأمین ارزش‌های بنیادی، رفاه اجتماعی و امنیت به چشم می‌خورد (نروزی، ۱۳۸۵: ۱۴۲).

برای درک بهتر قلمرو موضوعی امنیت داخلی لازم است تفاوت آن با مفهوم امنیت خارجی سنجیده شود. از منظری کلی و عمومی، امنیت داخلی به توانایی دولت در حمایت از قانون اساسی، حفظ صلح، قانون و نظم در قلمرو کشور اشاره دارد اما امنیت خارجی به توانایی نیروهای مسلح برای مقاومت در برابر تجاوز کشورها و گروه‌های خارجی می‌پردازد. با این نگاه در حالی که امنیت داخلی معطوف به رابطه میان انواع بازیگران دولتی و غیردولتی (از گروه‌های تروریستی گرفته تا جنبش‌های اعتراضی) و تهدیدات ناشی از آن است، امنیت خارجی به تهدیدهای ناشی از کشورهای دشمن یا رقیب خارجی مربوط می‌شود (Bigo, 2006).

۱-۴. مرجع امنیت

منظور از مرجع امنیت پاسخ دادن به این سؤال است که: امنیت برای چه کسی یا چه چیزی و با چه هدفی شکل می‌گیرد؟ به عبارت دیگر مرجع امنیت داخلی چیست و

امنیت با چه هدفی تأمین می‌گردد؟ اهمیت مرجع امنیت به قدری است که بدون وجود آن، نه هیچ تهدیدی می‌تواند مطرح باشد و نه بحثی از امنیت می‌تواند در میان باشد؛ چراکه بدون وجود چیزی که باید ایمن گردد، مفهوم امنیت بی‌معناست (ویلیامز، ۱۳۹۰: ۴۱). مراجع امنیت در حقیقت عناصر اصلی تضمین‌کننده بقای نظام سیاسی در هر کشوری هستند و به عنوان خطوط قرمزی به شمار می‌آیند که تهدید آنها به منزله تهدید ساختار نظام سیاسی محسوب می‌شود (مزینانی، ۱۳۹۳).

پاسخ‌های متعددی به این پرسش از سوی اندیشمندان داده شده است. طی چندین دهه، پاسخ غالب این بود که «دولت» مرجع امنیت است اما نظریه‌پردازان انتقادی دولت را به عنوان تنها مرجع امنیت نمی‌پذیرند. این افراد معتقدند وقتی می‌گوییم دولت تهدید می‌شود، منظورمان مفهوم انتزاعی به نام دولت نیست؛ بلکه افراد و موجوداتی است که دولت را تشکیل می‌دهند. بنابراین غیر از دولت مراجع امنیتی دیگری نیز وجود دارد (Jones, 1999: 113-114).

به طور کلی درباره امنیت مراجع مختلفی مطرح شده است که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

الف. انسان

برخی معتقدند بدون رجوع به افراد انسان، امنیت معنایی ندارد. لذا انسان باید مرجع امنیت قرار گیرد؛ زیرا زمانی که انسان دچار ناامنی باشد، این ناامنی به جامعه، دولت و حتی نظام بین‌الملل سرایت پیدا می‌کند. «کن بوث^۱» در همین ارتباط می‌گوید: «رهایی از سلطه به معنای واقعی‌اش یعنی آزاد گشتن انسان‌ها از فشارهای فیزیکی و انسانی‌ای که ایشان را از انجام هر آنچه که مایل به اجرای آن هستند، باز می‌دارد. در واقع رهایی از سلطه است که امنیت را برای ما به ارمغان می‌آورد. رهایی از سلطه از حیث نظری همان امنیت است» (Booth, 1991).

ب. حکومت^۲

برخی از نظام‌های فکری در مقام تعیین مرجع امنیت، صراحتاً «حکومت» را معرفی

1. Ken Booth
2. Government

می‌نمایند. نمونه بارز این مدها، باری بوزان است که در آثار مختلف خود این ایده را بیان داشته است. وی در مقام شناسایی تهدیدهای امنیتی از سه گونه مختلف یاد کرده است: تهدیدهایی که متوجه ایده دولت هستند؛ تهدیدهایی که متوجه وجود فیزیکی و مادی دولت (جمعیت و منابع) هستند؛ و بالاخره تهدیدهایی که سازمان دولت (سیستم سیاسی) را هدف قرار می‌دهند (Buzan, 1991: 65). تقسیم‌بندی بالا حکایت از محوریت دولت دارد؛ به گونه‌ای که اگر عنصر دیگری مورد توجه قرار گرفته است، با توجه به نسبتش با دولت می‌باشد (افتخاری، ۱۳۹۵: ۴۱).

ج. ارزش‌ها^۱

برخی دیگر از نویسندگان مرجع امنیت را ارزش‌های حیاتی یک ملت می‌دانند و معتقدند امنیت عبارت است از «مصون نگه‌داشتن ارزش‌های حیاتی یک ملت در برابر تهدیدات» (صالح‌نیا و بختیاری، ۱۳۹۷). به عبارت دیگر هنگامی که یک یا چند مؤلفه از ارزش‌های حیاتی یک ملت در معرض آسیب یا تهدید قرار گرفته باشند، امنیت به مخاطره افتاده است.

د. محیط زیست (طبیعت)

عده‌ای دیگر از نویسندگان محیط زیست را مرجع امنیتی در نظر می‌گیرند. حامیان این رویکرد معتقدند تخریب سریع محیط زیست می‌تواند منجر به نابودی انسان و ظهور درگیری و منازعه میان دولت‌ها و حتی اجتماعات مختلف شود. آنها برای نمونه به درگیری دولت‌ها بر سر آب در خاورمیانه اشاره می‌کنند که باعث ظهور رقابت استراتژیک میان دولت‌ها شده است (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷: ۱۳۷-۱۳۸).

هـ. زنان

جریان‌های فمینیستی معتقدند نگاه مردانه به موضوعات اجتماعی و به خصوص امنیت باعث غفلت از نقش زنان در ایجاد امنیت و ناامنی شده است. بنابراین زنان باید به عنوان مرجع امنیت مورد توجه قرار گیرند؛ به گونه‌ای که بدون تأمین منافع آنها و کسب

رضایت آنها، امنیت اساساً مستقر نمی‌گردد (افتخاری، ۱۳۹۵: ۴۱).

۵-۱. مرجع امنیت در جمهوری اسلامی ایران

در باره مرجع امنیت در جمهوری اسلامی ایران دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است^۱ که می‌توان آنها را در قالب سه مفهوم کلی «مکتب»، «نظام اسلامی» و «جامعه» دسته‌بندی کرد:

الف. مکتب

اسلام به مثابه آخرین دین الهی، برای همه عرصه‌های زندگی انسان برنامه دارد و تمام شئون مادی و معنوی انسان را دربرمی‌گیرد. مکتب اسلام عنصر اصلی تضمین‌کننده بقای نظام جمهوری اسلامی ایران است؛ زیرا اگر عنصر اسلامیت از نظام جمهوری اسلامی ایران جدا شود، برتری نظام اسلامی نسبت به سایر نظام‌های سیاسی دنیا از بین خواهد رفت. در اندیشه امام خمینی (ره) حفظ اسلام یک فریضه الهی است؛ به گونه‌ای که در اسلام هیچ فریضه‌ای بالاتر از حفظ خود اسلام نیست (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵: ۳۲۹). اهمیت حفاظت از اسلام به حدی است که ایشان در وصیت‌نامه خویش به این امر مهم تأکید می‌کنند:

«بر ملت عظیم‌الشان ایران است که در تحقق محتوای آن [اسلام] به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است ... و امروز بر ملت ایران، خصوصاً و بر جمیع مسلمانان، عموماً، واجب است این امانت الهی را که در ایران به طور رسمی اعلام شده و در مدتی کوتاه نتایج عظیمی به بار آورده، با تمام توان حفظ نموده و در راه ایجاد مقتضیات بقای آن و رفع موانع و مشکلات آن کوشش نمایند» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۴۰۳).

۱. برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به مقالات: «مرجع امنیت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران» نوشته مرتضی نورمحمدی؛ «مرجع‌شناسی امنیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» اثر احمد مزینانی و «بررسی مرجع امنیت در مکتب امنیتی امام خمینی (ره)» نوشته سیدمحمدجواد قربی و سیدصدرالدین موسوی.

ب. نظام اسلامی

با توجه به جایگاه عالی مکتب، از نظر این دسته از تحلیل‌گران، امنیت ابزار صیانت و اجرایی شدن این مکتب نیز که همان نظام اسلامی است، باید تضمین شود: اگر حفظ اسلام جزء فریضه‌های بزرگ است و بزرگ‌ترین فریضه است، بر همه ما و شما و همه ملت و همه روحانیون حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵: ۳۲۹). در اندیشه امام خمینی (علیه السلام) اگر جمهوری اسلامی ایران از بین برود، اسلام آنچنان منزوی خواهد شد که تا آخر ابد - مگر در زمان حضور حضرت - نمی‌تواند سرش را بلند کند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶: ۱۳۹). بنابراین مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی از اهم واجبات عقلی و شرعی است (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹: ۱۵۳). مطابق نظر این دسته از نویسندگان، با بررسی آراء امام راه‌حل می‌توان دریافت که ایشان حفظ نظام اسلامی را در حفظ هسته مرکزی آن، یعنی ولایت‌فقیه می‌دانند. امام خمینی معتقد بودند ولایت‌فقیه همان ولایت رسول‌الله هست (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۳۰۸)؛ بنابراین باید از فرمان حاکم اسلامی پیروی نمود و در صورت سرپیچی از وی، جامعه اسلامی آسیب می‌بیند: اگر از نظم اسلامی بیرون برویم، از تحت فرمان حکومت اسلام بیرون برویم، از فرمان خدا بیرون برویم، آسیب می‌بینیم (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۱: ۵۰۴).

ج. جامعه

استمرار نظام جمهوری اسلامی وابسته به حضور مردم، حفظ و رعایت حقوق آن‌هاست. به بیان دیگر نظام اسلامی بدون حضور مردم نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. در واقع، در چارچوب برداشت امام، مردم عامل استقرار نظام اسلامی هستند:

«مردم را در صحنه حاضر نگه‌دارید که آنچه انقلاب و ایران را حفظ کرده حضور مردم در صحنه است. امروز مردم پشتیبان انقلاب اسلامی و دولت هستند ... این پشتیبانی را باید حفظ کنید» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷: ۴۵۳).

«همه می‌دانید و باید بدانیم مادامی که ملت، پشتیبان مجلس و دولت و قوای مسلح هستند و دولت و مجلس و قوای مسلح در خدمت ملت به ویژه قشرهای محروم می‌باشند، و جلب رضای خداوند را در این خدمت متقابل، می‌نمایند، هیچ قدرتی

توانایی آسیب رساندن به این نظام مقدس را ندارد» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷: ۳۹۱). مطابق تفسیر این دسته از تحلیل‌گران، جمهوری اسلامی ایران با مردم پیوند و ارتباطی عمیق دارد و به همین دلیل، حمایت و صیانت از مردم حائز اهمیت بوده و امام بر وجوب شرعی و عقلی این امر تأکید نموده‌اند.

هدف تأمین امنیت داخلی یک کشور به نوع حکومتی که در جامعه مستقر است، بستگی دارد. به این معنا که در حکومت‌های استبدادی و غیرمردم‌سالار، هدف اصلی از تأمین امنیت، بقای حکومت به هر طریق ممکن است؛ حتی در صورتی که بقای حکومت با منافع جامعه در تضاد باشد. این در حالی است که هدف از تأمین امنیت در نظام‌های مردم‌سالار، بقای حکومت در جهت تأمین آرامش و آسایش مردم و کسب ارزش‌های والای انسانی است. هدف تأمین امنیت در جمهوری اسلامی ایران نیز ثبات و استقرار نظام اسلامی در راستای خدمت به مردم و فراهم آمدن زمینه نیل به سعادت ایشان می‌باشد.

۶-۱. تهدیدات امنیت داخلی

در خصوص تهدیدات، بحث‌های مفصلی وجود دارد که با عطف توجه به حوزه امنیت داخلی می‌توان مهم‌ترین مباحث را به شکل زیر دسته‌بندی و مطرح نمود^۱:

الف. تهدیدشناسی در مکتب کپنهاگ

مکتب کپنهاگ یک نظام فکری است که بسیاری از اعضای آن در «مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاگ»^۲ فعالیت می‌کنند. «باری بوزان»، «اولی ویور»^۳ و «جاپ دو وایلد»^۴ از جمله نظریه‌پردازان این مکتب هستند. مبانی اولیه این رویکرد جدید را می‌توان در کتاب مردم، دولت‌ها و هراس (۱۹۸۳) اثر باری بوزان ملاحظه نمود.

مکتب کپنهاگ تأکید خاصی بر جنبه‌های غیرنظامی امنیت دارد که بیان‌کننده عبور این مکتب از مطالعات سنتی امنیت است (Collins, 2016: 168). این مکتب با قائل

۱. تقسیم‌بندی برگرفته از مقاله آقای رسول زارع‌زاده با عنوان «الگوی تحلیل امنیت داخلی: تبیین مؤلفه‌های اثرگذار بر امنیت داخلی در سطح کلان» است.

2. Copenhagen Peace Research Institute
3. Ole Wæver
4. Jaap de Wilde

شدن شأن امنیتی برای مسائل زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در کنار مسائل نظامی موضوعات (تهدیدات) حوزه شناخت تهدیدات را فراخ‌تر ساخت (Buzan, Wæver & De Wilde, 1998: 1). بوزان بخش‌های مطرح در تحلیل امنیت داخلی را چنین معرفی می‌کند:

به طور کلی، امنیت نظامی از یک طرف با توانایی‌های آفندی و پدافندی دولت‌ها و از طرف دیگر با برداشتی که دولت‌ها از نیت یکدیگر دارند، سروکار دارد. امنیت سیاسی به ثبات سازمانی دولت‌ها، نظام‌های حکمرانی و ایدئولوژی‌هایی که به آنها مشروعیت می‌بخشد بازمی‌گردد. امنیت اقتصادی با دسترسی به منابع، پول و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت سروکار دارد. امنیت اجتماعی به پایداری الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت ملی و مذهبی بازمی‌گردد. امنیت زیست‌محیطی با حفظ محیط‌زیست محلی و کل کره زمین (به عنوان اصلی‌ترین نظام پشتیبان که هر فعالیت بشری دیگری به آن وابسته است) سروکار دارد (Buzan, 1991: 19-20).

آنچه در رویکرد این مکتب درخور توجه می‌نماید، اول. گذار از حوزه بسته تهدیدشناسی سنتی و موسع ساختن گستره تهدیدات احتمالی می‌باشد؛ دوم. تمرکز پیروان این مکتب بر ایده «امنیت اجتماعی شده»^۱ است. در واقع در گام دوم است که این مکتب فکری، نسبت به نقد دیدگاه‌های پیشین اقدام نموده و با تأکید ویژه به مقوله هویت/خرده هویت‌ها، مرجع جدیدی برای امنیت پیشنهاد می‌نماید. مرجعی که در بحث تهدیدشناسی مهم بوده و امنیت داخلی را به «امنیت اجتماعی شده» هویت محور پیوند زده و از این طریق محور اصلی تهدیدات احتمالی را ملاحظات هویتی قرار می‌دهد.

ب. مکتب مطالعات امنیتی جهان سوم^۲

مکتب امنیتی جهان سوم نظام فکری است که طی جنگ سرد پدید آمد و بیشتر بر روی نگرانی‌های امنیتی کشورهای جهان سوم تمرکز دارد (Collins, 2016: 179). «محمد

1. Societal Security
2. Third World Security School

ایوب»، «ادوارد آزر^۱» و «چونگ این مون^۲» از جمله نظریه‌پردازان این مکتب هستند. نظریه‌پردازان مکتب امنیتی جهان سوم مطالعات سنتی امنیت را مورد انتقاد قرار دادند. این مکتب معتقد است کشورهای جهان سوم توجه کمی به مسائل امنیتی در سطح بین‌المللی دارند؛ زیرا این کشورها ترجیح می‌دهند با کشورهایی که دارای ویژگی‌های مشابه خودشان هستند، در تعامل باشند (Ayoob, 2002).

از دیدگاه این مکتب منشأ تهدیدات امنیتی در کشورهای غربی با کشورهای جهان سوم متفاوت است. منشأ تهدیدات امنیتی در کشورهای غربی عمدتاً بیرونی هستند؛ یعنی تهدیدات از محیط بیرونی و بازیگران خارجی ناشی می‌شود اما منشأ تهدیدات امنیتی در کشورهای جهان سوم عمدتاً داخلی و غیرنظامی هستند (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۷۱). کمبود منابع، تنوع قومی، جمعیت بیش‌ازحد، توسعه‌نیافتگی و تخریب محیط‌زیست مهم‌ترین بسترهای مناسب برای وقوع تهدیدات غیرنظامی امنیت در کشورهای جهان سوم محسوب می‌شوند (Krause & Williams, 1997: 304). این بسترها اگر با سه مؤلفه «بحران مشروعیت»، «نبود وحدت و یکپارچگی» و «عدم انعطاف در سیاست‌گذاری دولت» همراه شوند، تهدیدات جدی را برای بقای دولت و ارزش‌های بنیادین جامعه به وجود می‌آورند (Korany; Brynen & Noble, 1993: 2). در مجموع می‌توان گفت همبستگی و مشروعیت از مؤلفه‌های ضروری و حیاتی برای امنیت کشورهای جهان سوم در عرصه داخلی است و اگر ریشه‌های داخلی تهدیدات کنترل شود و از بین بروند، کشورهای جهان سوم امنیت بیشتری خواهند داشت.

ج. مکتب سازه‌انگاری^۳

مکتب سازه‌انگاری یکی از نظام‌های فکری مهم روابط بین‌الملل و مطالعات امنیت است. این مکتب قبل از طرح در حوزه روابط بین‌الملل در حوزه جامعه‌شناسی معرفت^۴ و مبانی فرانظری^۵ در کل علوم اجتماعی مطرح بوده است (داودی، ۱۳۹۱). «پیتر کاتزنشتاین^۶»، «الکساندر ونت^۱»، «مایکل بارنت^۲» و «امانوئل آدلر^۳» از جمله

1. Edward E. Azar
 2. Chung-in Moon
 3. Constructivist School
 4. Sociology of Episteme
 5. Metatheoretical Basics
 6. Peter Katzenstein